

بررسی ابعاد چهارگانه قدرت در توسعه مگامال‌های منطقه یک تهران*

آسیه نیک‌بین

دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول مکاتبات)

E-mail: asiehfallah@gmail.com

غلامرضا کاظمیان

دانشیار گروه مدیریت شهری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

محمدحسین شریف‌زادگان

استاد گروه طراحی و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

در چند دهه اخیر، متفکران مطالعات شهری به اهمیت قدرت در برنامه‌ریزی پی برده و به برنامه‌ریزان گوشزد کرده‌اند که به آن توجه کنند. با این حال زمینه برنامه‌ریزی، همچنان فاقد بدنه‌ای منسجم از نظریه‌ها و پژوهش‌های مرتبط با قدرت است. این درحالی است که در علوم سیاسی و اجتماعی تا به امروز چهار بعد از قدرت شناسایی شده است و مدل‌هایی بر اساس آن‌ها تعریف شده است که امکان انجام پژوهش‌های نظام‌مند را فراهم کرده است. پژوهش انتقادی حاضر کوشش دارد، با توجه به ظرفیت‌های برنامه‌ریزی شهری امکان استفاده از این ابعاد را در بررسی چگونگی اعمال قدرت بر فرایندهای توسعه شهری بسنجد. مورد مطالعه این پژوهش توسعه مگامال‌هایی است که با وجود ایجاد چالش‌های فراوان برای شهر و شهروندان همچنان رواج دارد. بررسی این مسئله با استفاده از ابعاد قدرت، این امکان را می‌دهد تا چگونگی اعمال قدرت در فرایند توسعه مگامال‌ها با استفاده و به‌واسطه سیستم برنامه‌ریزی شهری آشکار شود. این پژوهش ماهیتاً کیفی است و از روش برساخت‌گرایی نظریه‌مبنایی بهره برده است. بر این مبنای پژوهشگر در تعامل با ۱۸ نفر مصاحبه‌شونده و بررسی اسنادی شامل ۳۵ مصاحبه ثبت شده در وبسایت‌ها، ۲۳ مقاله و ۳ سند مرتبط با مگامال‌ها به برساخت نظریه مبادرت می‌ورزد. نتیجه آنکه فرایند توسعه مگامال‌ها، همسو با منافع قدرت، هم‌راستا با انحصار، همراه با مشروع‌سازی-عقلانی‌سازی و فرآورده آن فضایی همسان با سراسریین است.

کلید واژه‌ها: ابعاد قدرت، پژوهش انتقادی، توسعه شهری، مگامال‌سازی

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری آسیه نیک‌بین با عنوان «درک و تبیین اثر قدرت در برنامه‌ریزی شهری (مورد پژوهی: مگامال‌سازی در کلان‌شهر تهران)» است که با راهنمایی دکتر محمدحسین شریف‌زادگان و دکتر غلامرضا کاظمیان در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی انجام شده است.

مقدمه

دیدگاه سنتی برنامه‌ریزی، توجه چندانی به مفهوم قدرت ندارد. این دیدگاه، بر استفاده از روش علمی و نفی عامل قدرت در برنامه‌ریزی استوار است؛ در صورتی که اهداف و کاربست‌های درگیر در تولید فضا با اعمال قدرت^۱ در هم آمیخته است. برنامه‌ریزی به عنوان مجموعه‌ای از نهادها، کاربست‌ها و گفتمان‌ها در شبکه‌هایی از قدرت گیر افتاده است که از آن به سویه تاریک برنامه‌ریزی یاد می‌شود (Yiftachel, 2001). از برنامه‌ریزان انتظار می‌رود که به این سویه تاریک توجه کنند و از نقش قدرت در برنامه‌ریزی غفلت نکنند تا بتوانند کیفیت تحلیل‌های خود را بهبود ببخشند و شهروندان و عمل اجتماعی را مقتدر سازند (Forester, 1982). با این حال بر خلاف علوم سیاسی و اجتماعی، زمینه پژوهش برنامه‌ریزی همچنان فاقد بدنه‌ای منظم از پژوهش‌هایی است که روابط قدرت را در مرکز خود قرار می‌دهند (Flyvbjerg, 2002). در نتیجه هرگونه پژوهشی در این زمینه می‌تواند راه را برای نظریه‌پردازی و درک بهتر عمل برنامه‌ریزی هموارتر سازد. در علوم سیاسی و اجتماعی، تا به امروز چهار بعد از قدرت شناسایی و صورت‌بندی شده است. در پژوهش‌های برنامه‌ریزی یا به‌طور ضمنی به این ابعاد قدرت پرداخته شده است و یا به یک یا دو بعد از آن اکتفا شده است که دید محدودی از قدرت ارائه می‌دهد. در نتیجه نوآوری این پژوهش، نشان دادن امکان استفاده از ابعاد قدرت مطرح‌شده در علوم سیاسی-اجتماعی در جهت بررسی چگونگی اعمال قدرت در فرایندهای توسعه شهری است. این رویکرد می‌تواند در بررسی کلیه مراحل برنامه‌ریزی از تصمیم‌سازی تا اجرا و بازنگری مورد استفاده قرار گیرد. البته در این پژوهش به دلیل گستردگی موضوع، تنها بر مرحله اجرای برنامه‌های شهری از خلال فرایند توسعه مگامال‌ها تمرکز شده است. لازم به ذکر است که در این پژوهش منظور از قدرت در برنامه‌ریزی، هم قدرت خود برنامه‌ریزی و هم اعمال قدرت بر برنامه‌ریزی است که در نهایت بر محصول آنکه توسعه شهری است، اثر می‌گذارد. بدیهی است که پژوهش انتقادی حاضر تنها بر جنبه‌های منفی و سلطه‌گر برنامه‌ریزی اشاره دارد و بنابراین قصد انکار جنبه‌های مثبت آن را ندارد. همچنین باید اشاره کرد که شناسایی کلیه سازوکارهای ابعاد چهارگانه قدرت در این مقاله امکان‌پذیر نیست و کوشش شده است از معیارهای کلان مطرح شده در رابطه با ابعاد قدرت در علوم سیاسی و اجتماعی، جهت پژوهش برخی مصادیق آن در برنامه‌ریزی شهری استفاده شود.

ماهیت قدرت

در رابطه با ماهیت قدرت اجتماعی وجود ندارد؛ چراکه شناسایی قدرت هم مربوط به نظریه و هم وابسته به ارزش است و با فرضیات سیاسی و اخلاقی گره خورده است (Hillier, 2002). برخی از اختلاف نظرها در رابطه با قدرت عبارت‌اند از:

- قدرت چیزی است که به تملک در می‌آید / قدرت تنها می‌تواند اعمال شود.
- قدرت در ید افراد خاصی است و بر اشخاص وارد می‌شود / قدرت ماتریسی عمومی است و هیچ‌کسی خارج از آن نیست.
- قدرت به افراد تعلق دارد / قدرت فقط به جمع‌ها تعلق دارد / قدرت به کسی تعلق ندارد.
- قدرت شامل تعارض است / قدرت لزوماً شامل تعارض نیست / قدرت عموماً تعارض را در بر دارد.
- قدرت پیش‌فرض مقاومت است / قدرت مقاومت را در خود دارد / قدرت هر دو است.
- قدرت خوب / بد و اهریمنی / روتین است.
- قدرت از بالا به پایین اعمال می‌شود / قدرت از بالا به پایین یا پایین به بالا عمل می‌کند.
- قدرت به سرکوب و سلطه‌گر خورده است / قدرت مولد و مقتدرساز است (Saden, 2004, 59; Hillier, 2002, 66)

گروهی از متفکران چون هانا آرنه و تالکوت پارسونز قدرت را به دلیل ایجاد وفاق و نظم اجتماعی مثبت و مقتدرساز ارزیابی کرده‌اند. با این حال گروهی دیگر، قدرت را منفی و سلطه‌گر برشمرده‌اند و تحت عنوان «قدرت بر^۲» به آن اشاره کرده‌اند (Gaventa, 2019; Haugaard, 2012). البته برخی چون هاگارد با ترکیب این دو دیدگاه، استدلال کرده‌اند که پتانسیل‌هایی برای قدرت‌رهایی‌بخش^۳ در قدرت سلطه‌گر نیز وجود دارد. بدین شرح که اگر یک گروه به هزینه بقیه قدرت کسب کند (قدرت جمع- صفر) قدرت سلطه‌گر است؛ در حالی که اگر قدرت همه گسترش یابد (قدرت جمع- مثبت) قدرت مقتدرساز است (Haugaard, 2012). تا به امروز چهار بُعد از قدرت سلطه‌گر شناسایی و معرفی شده است. آراء وبر و دال بر بعد آشکار قدرت دلالت دارد. پیتر بکراچ و مورتون بارانتز به بعد پوشیده قدرت اشاره کرده‌اند. با آراء لوکس، بعد نهفته قدرت به ادبیات این حوزه راه یافت و هاگارد با بسط بعد چهارم قدرت ارائه شده توسط دایجر، برخی از آراء فوکو را در قالب بعد چهارم قدرت صورت‌بندی کرده است (Haugaard, 2021). از آنجاکه تمرکز پژوهش انتقادی حاضر بر قدرت سلطه‌گر است در ادامه ابعاد آن بیشتر تشریح خواهد شد. اگر چه در واقعیت این ابعاد به هم پیوسته و متصل هستند؛ با این حال جهت فهم بهتر به صورت جداگانه معرفی خواهند شد.

ابعاد قدرت سلطه‌گر

آنچه وبر و دال به آن پرداخته‌اند، بعدی از قدرت را مورد بررسی قرار می‌دهد که بعد آشکار^۴ نامیده می‌شود. این بعد از قدرت بر این مبنا است که در یک صحنه آشکار روابط قدرت، قدرت «آ» بر «ب» در حدی آشکار می‌شود که «آ» بتواند «ب» را به انجام کاری مجاب کند که در غیر این صورت «ب» آن را انجام نمی‌داد (Saden, 2004, 40). پیتر بکراچ و مورتون بارانتز در پاسخ به دال در سال ۱۹۶۲ مدل دوم بعدی قدرت را ارائه دادند. این مدل نقدی بر پیش‌فرض‌های اساسی دال است. بعد دوم قدرت که بعد پوشیده^۵ یا به‌زعم گاونتا بعد پنهان^۶ قدرت نامیده می‌شود؛ نه تنها به‌منظور پیروزی بر مشارکت‌کنندگان در فرایند تصمیم‌سازی، بلکه همچنین برای ممانعت از تصمیم‌سازی، به‌منظور حذف موضوعات خاص یا مشارکت‌کنندگان در فرایند، فعال می‌شود (Saden, 2004, 40; Gaventa, 2006, 25).

اگر چه بعد پوشیده به برخی از کاستی‌های مدل تک‌بعدی پاسخ می‌دهد، با این حال فرض آگاه بودن مردم از وضعیت خود، موجب شد که استیون لوکس در دهه ۷۰ به ارائه بعد سوم قدرت یعنی بعد نهفته^۷ بپردازد. این بعد از قدرت بر مبنای آنچه استیون لوکس ارائه داده است به ارتباط بین آگاهی اجتماعی^۸ و بازتولید روابط قدرت متمرکز است (Haugaard, 2012). بعد نهفته توضیح می‌دهد که «ب» کارهایی را انجام می‌دهد که اگر «آ» نبود انجام نمی‌داد؛ زیرا «آ» خواسته‌های «ب» را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تعیین می‌کند، شکل می‌دهد و خواست خود را به صورت ذهنی در فکر او درونی می‌کند. با استفاده از اصطلاحات لوکس، این وجه سوم، مفهوم رادیکال قدرت نامیده می‌شود. لوکس از ایده مارکسیستی آگاهی کاذب به‌عنوان قدرت گمراه کردن استفاده کرده است که محدوده آن از سانسور مستقیم و اطلاعات نادرست تا اشکال مختلف روش‌های نهادینه شده و شخصی را شامل می‌شود و منجر به شکست عقلانیت، تفکر وهم‌آمیز و عدم شناخت منابع میل و باور می‌شود (Digeser, 1992; Saden, 2004; Shapiro, 2006).

بعد چهارم قدرت طبق نظر دایجر فراتر از رابطه اثرگذاری «آ» بر «ب» است که در سه بعد قبلی تعبیه شده است. بر مبنای این بعد، «آ» و «ب» هر دو محصول ساختارهای اجتماعی هستند که ریشه در هنجارها و ارزش‌های مشخص شده دارد. هاگارد با بسط ایده او، بر دو جنبه انضباط و سوزده‌سازی^۹ فوکو متمرکز شده است (Zaaiman, & Mupambwa, 2021). فوکو در کتاب «مراقبت و تنبیه: تولد زندان»، دوره بین ۱۷۵۷ و ۱۸۳۰ را مورد بحث قرار دارد، زمانی که شکنجه زندانیان با نظارت نزدیک آن‌ها توسط قواعد زندان جایگزین

شد. الگوی این نوع قدرت طرح سراسربین^{۱۰} جرمی بنتام است که در آن زندانیان در سلول‌های قابل مشاهده جای داده می‌شوند تا مورد مطالعه و نظارت قرار گیرند (Saden, 2004, 55). سراسربین ساختمانی هشت ضلعی است که برجی در مرکز آن قرار دارد. زندانبانان در برج می‌نشینند و آنچه را در هر سلولی اتفاق بیفتد، می‌بینند. زندانیان از دیده شدن خود آگاه هستند و در نتیجه شروع به نظارت خود از دید دیگران می‌کنند (Saden, 2004, 62). فوکو این نوع نظارت همراه با انضباط را، قدرت انضباطی^{۱۱} نامیده است (Haugaard, 2021). زمانی که بازیگران اجتماعی به سوژه‌های اجتماعی تبدیل می‌شوند، فرایندی از ابژه‌سازی^{۱۲} ساخته می‌شود و انسان به موضوعی قابل مطالعه تبدیل می‌شود که در نتیجه چنین مطالعه‌ای، هنجارها ساخته و طبیعی یا غیرطبیعی بودن رفتارها مشخص می‌شوند (Haugaard, 2012). آراء بوردیو در رابطه با عادت‌واره^{۱۳} که به صورت ناآگاهانه درونی می‌شود، به فهم این بعد از قدرت کمک می‌کند. در ادامه به جست‌وجوی ابعاد قدرت در برنامه‌ریزی شهری خواهیم پرداخت.

پیشینه پژوهش

برنامه‌ریزی انتقادی با پرسش‌هایی چون عدالت، زبان، دانش و قدرت، در پی آن است تا انگاشت‌های حرفه‌ای و مدل‌ها را در مقابل دنیای واقعی بسنجد و به برنامه‌ریزان یادآوری می‌کند که پیوسته چگونگی عمل قدرت را منعکس کنند (Gunder, 2015). از دید پژوهشگران انتقادی، برنامه‌ریزی همیشه به هدف هنجاری خود مرتبط با بهبود شرایط زندگی عموم مردم دست نمی‌یابد. به گونه‌ای که در محیط‌های دارای تعارض، بی‌ثباتی سیاسی و یا اختلافات نژادی، برنامه‌ریزی در عوض پیش‌برندگی^{۱۴} مرتبط با کاهش نابرابری حتی به واپس‌گرایی^{۱۵} منجر شده و در خدمت به قشر اجتماعی خاص و غفلت یا مهار سایر اقشار مورد استفاده قرار می‌گیرد (Yiftachel, 2001; Allmendinger & Gunder, 2005; Najjar, 2019). اگرچه از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی پژوهش‌های بی‌شمار و ارزشمندی در رابطه با قدرت صورت گرفته است؛ با این حال غالباً ابعاد قدرت به صورت صریح و کامل مورد اشاره نبوده‌اند. در ادامه کوشش خواهد شد تا برخی از این پژوهش‌ها ذیل ابعاد قدرت معرفی شوند. البته لازم به ذکر است که تمرکز این پژوهش بر آشکارسازی اعمال قدرت بر فرایند توسعه شهری به واسطه سیستم برنامه‌ریزی شهری است و بنابراین هم قدرت خود برنامه‌ریزی و هم قدرتی را که بر آن اعمال می‌شود در بردارد.

بعد اول: یکی از پژوهش‌هایی که به صراحت به ابعاد کنترل‌گر برنامه‌ریزی اشاره دارد، پژوهش ایفتاچل (1998) است. اگرچه این ابعاد به ابعاد قدرت ارتباط داده نشده‌اند، با این حال مفاهیم مشترکی با ابعاد قدرت دارند. یکی از ابعاد مورد اشاره ایفتاچل بعد اجتماعی-اقتصادی است. بر این مبنا، برنامه‌ریزی با تعیین و تغییر در کاربری زمین منجر به اثراتی بر مردم محلات و جوامع می‌شود که با اثرات اقتصادی-اجتماعی مرتبط با ثروت و توانگری قابل شناسایی است. در این رابطه می‌توان از پژوهش‌های محققانی چون مارکوزه و تاجبخش یاد کرد که به نقش برنامه‌ریزی در تقویت نابرابری در نیویورک اشاره کرده‌اند (Yiftachel, 1998; Allmendinger & Gunder, 2005). این نوع سلطه، به مکان‌یابی منافع و هزینه‌ها در هماهنگی با بهره‌های گروه‌های مسلط می‌پردازد که خود منجر به محروم‌تر شدن و وابسته‌تر شدن گروه‌های ضعیف‌تر می‌شود (Yiftachel, 1998). به‌زعم لوفور بازنمایی فضایی مرتبط با فضای برنامه‌ریزان و برنامه‌های آنان، فضای مسلط در هر جامعه است که به روابط تولید در هر جامعه‌ای گره خورده است و خود، در بازتولید شرایط موجود و بنابراین گسترش شکاف اقتصادی-اجتماعی مؤثر است (رفیعیان، تقوایی و شاه محمدیان، ۱۳۹۷). در مجموع می‌توان گفت برنامه‌ریزی و فرایند توسعه آن، می‌تواند به گسترش و یا حفظ شکاف اقتصادی-اجتماعی منجر شود. این

شکاف و نابرابری آشکارتر از سایر ابعاد سلطه‌گر برنامه‌ریزی است از این روی معادل بعد اول قدرت که قدرت آشکار نام دارد، در نظر گرفته خواهد شد.

بعد دوم: برنامه‌ریزی می‌تواند روابط قدرت را با کنترل دسترسی به فرایند تصمیم‌سازی تحت‌تأثیر قرار دهد. ایفتاچل از این نوع اثر برنامه‌ریزی تحت عنوان بعد رویه‌ای یاد کرده است. بعد رویه‌ای شامل جنبه‌هایی است که روابط رسمی بین مراجع و مردم را تعیین می‌کنند. علاوه بر آن این بعد، جنبه‌های کمتر رسمی و یا غیررسمی را نیز در بردارد. فرایند برنامه‌ریزی برخی گروه‌ها را از مشارکت معنادار در تصمیم‌سازی کنار می‌گذارد و بنابراین با انحصار و حاشیه‌سازی مرتبط است (Yiftachel, 1998). پژوهش‌های مرتبط با مشارکت مردم در مراحل مختلف برنامه‌ریزی که به رویه‌های رسمی اشاره دارند و همچنین رویه‌های غیررسمی مثل آنچه فلوپیر (2002) در پروژه حفاظت شهری آلبورگ در رابطه با حضور نماینده اتاق صنعت و تجارت در جلسات برنامه‌ریزی و یا آنچه فاکس راجرز و مورفی (2014) با عنوان راهبردهای غیررسمی قدرت، مثلاً از طریق دسترسی غیررسمی به عوامل تصمیم‌سازی، ارائه داده‌اند، به‌طور ضمنی به این بعد از قدرت اشاره دارند. بعد رویه‌ای را می‌توان معادل بعد دوم قدرت که بعد پوشیده است، در نظر گرفت.

بعد سوم: برنامه‌ریزی با عقلانی‌سازی و مشروعیت‌بخشی نیز می‌تواند اعمال قدرت کند. این نوع اثرگذاری را می‌توان معادل بعد نهفته قدرت در نظر گرفت. پژوهش‌های فلوپیر (1998) در رابطه با عقلانی‌سازی و همچنین پژوهش شاخص آنانیا روی (2012) در رابطه با رسمی‌سازی به خوبی مفاهیم این بعد از قدرت در برنامه‌ریزی را آشکار می‌کند. روی بر این متمرکز شده است که چگونه اراضی حومه‌هند که در برنامه‌های شهری غیرمسکونی قلمداد می‌شدند، توسط فرادستان به ویلاهای گران قیمت تبدیل شده است. نکته مورد توجه این‌که فرادستان به‌واسطه روابط خود، این غیررسمی‌سازی فضا را قانونی و به اصطلاح مشروع‌سازی می‌کنند؛ درحالی‌که طبقات فرودست شهری چنین قدرتی را ندارند. بنابراین در واقعیت هر دو تخلف کرده‌اند، اما تنها فرادستان این قدرت را دارند که به‌واسطه روابط مالی-اداری خود با بدنه اجرایی برنامه‌ریزی، عنوان قانونی، رسمی و مشروع را دریافت کنند و از آن طریق در ذهن دیگران نیز قانونی و مشروع قلمداد شوند (Roy, 2012). سازوکارهای این بعد از قدرت بسیار مخفی و پیچیده هستند؛ با این حال پژوهش‌های مختلف حاکی از این است که قدرت می‌تواند با اثر بر عقلانیت، واقعیت، حقیقت، قانون، دانش، اطلاعات، شناخت در برنامه‌ریزی، به‌صورت نهفته اعمال شود. (Forester, 1982; Richardson, 1996; Flyvbjerg, 1998; Yiftachel, 2001; Healey, 2003; Rydin, 2019) جدول (۱) به برخی از انتقادهای در این زمینه اشاره کرده است.

جدول ۱. اثر قدرت بر عقلانیت برنامه‌ریزی

| منبع | اثر قدرت بر تولید اطلاعات، دانش و عقلانیت در برنامه‌ریزی |
|------------------|--|
| Forester, 1982 | قدرت با کنترل اطلاعاتی، اطلاعات نادرست و ارتباطات تحریف شده بر برنامه‌ریزی اثر می‌گذارد. |
| Richardson, 1996 | نظریه در برنامه‌ریزی مانند نظریه برنامه‌ریزی توسط روابط قدرت / دانش مورد نفوذ قرار گرفته است. |
| Richardson, 1996 | قدرت، دانش برنامه‌ریزی را در رسیدن به هدفی خاص تصاحب می‌کند و در گفت‌وگوها جای می‌دهد. |
| Flyvbjerg, 1998 | قدرت در عقلانیت برنامه‌ریزی نفوذ کرده است. |
| Flyvbjerg, 1998 | دغدغه اصلی قدرت در برنامه‌ریزی تعریف واقعیت است و نه کشف چیرستی واقعیت آن‌طور که است. |
| Yiftachel, 2001 | قدرت در برنامه‌ریزی آنچه را که به‌عنوان واقعیت محسوب می‌شود، تعریف و فریب را برای اهداف خود مفیدتر از حقیقت می‌یابد. |
| Flyvbjerg, 2002 | دانش قدرت است اما قدرت نیز دانش است؛ چراکه چیزی را که می‌خواهد، به‌عنوان دانش برنامه‌ریزی معرفی می‌کند. |

| منبع | اثر قدرت بر تولید اطلاعات، دانش و عقلانیت در برنامه‌ریزی |
|--------------|--|
| Healey, 2003 | قدرت و عقلانیت در برنامه‌ریزی بر یکدیگر اثرگذار و هم‌زمان تضادهای دوگانه‌ای دارند. |
| Rydin, 2019 | ادعاهای دانشی برنامه‌ریزی به موضوعات و گروه‌های خاص امکان صحبت می‌دهد و دیگران را ساکت می‌کند. |
| Harvey, 2013 | چشم‌هنگز خنثی نیست و پیکارهای بی‌شماری برای سیطره شیوه مناسب دیدن، روی می‌دهد. در حقیقت برندگان یک نبرد پنهان، شیوه شناخت ما از مسائل در برنامه‌ریزی را تعیین می‌کنند. |

بعد چهارم: نظارت، کنترل و هنجارسازی ناشی از برنامه‌ریزی خصوصاً در فضاهای عمومی، می‌تواند معادل بعد چهارم و انضباطی قدرت در نظر گرفته شود. سازوکارهای این بعد می‌توانند بسیار متنوع باشند، با این حال دو مورد در حوزه برنامه‌ریزی و توسعه شهری بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. مورد اول کنترل است؛ به‌عنوان نمونه لنگمن استدلال کرده است که از طریق نگاه افراد در فضاهای تجاری مدرن صورت می‌گیرد حتی از اسلحه نیز قدرتمندتر است (Langman, 1991). ریچاردسون در این رابطه استدلال کرده است که اگر برای فوکو عواملان قدرت انضباطی معلمان، دانشمندان اجتماعی و روان‌شناسان بودند؛ برای پژوهشگران حوزه مسائل شهری این عواملان می‌توانند برنامه‌ریزان، تحلیل‌گران سیاست، محققان و حتی شهروندانی باشند که ارزش‌های رژیم‌های قدرت خاصی را درونی کرده‌اند (Richardson, 1996). مورد دوم رواج مصرف‌گرایی است که اتفاقاً پژوهش‌های بسیاری در رابطه با توسعه فضاهای تجاری و نقش آن بر رواج مصرف‌گرایی انجام شده است. بنابراین برنامه‌ریزی از طریق ابعاد فضایی می‌تواند بر رفتار افراد اثر گذارد که در این پژوهش تحت عنوان بعد نظارتی-هنجارساز مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

در مجموع می‌توان ابعاد قدرت در برنامه‌ریزی را بر مبنای مفاهیم مرتبط با علوم سیاسی، به شرح جدول (۲) صورت‌بندی کرد.

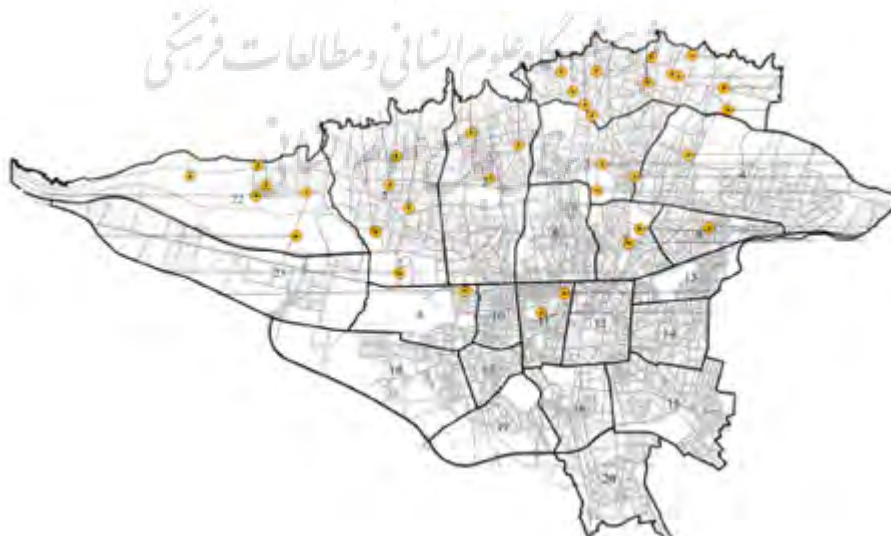
جدول ۲. معادل‌سازی ابعاد قدرت در علوم سیاسی با برنامه‌ریزی شهری

| ابعاد قدرت | تعریف | سازوکارها | قدرت در برنامه‌ریزی |
|------------|---|---|------------------------|
| آشکار | «آ» بتواند «ب» را به انجام کاری مجاب کند که در غیر اینصورت انجام نمی‌داد. | پیروزی در تعارض با استفاده از منابع در دسترس | اجتماعی-اقتصادی |
| پوشیده | «آ» از تصمیم‌سازی «ب» ممانعت کند. | اثر بر میز تصمیم‌سازی | روبه‌ای |
| نهفته | «آ» بر آگاهی، ادراک و خواسته‌های «ب» در جهت منافع خود تأثیر گذارد. | شکل‌دهی و تعیین آگاهی، حقیقت، واقعیت، عقلانیت، قانون، دانش، اطلاعات | مشروعیت‌بخش-عقلانی‌ساز |
| انضباطی | «آ» و «ب» هر دو محصول ساختارهای اجتماعی هستند. | سوژه‌سازی، کنترل رفتاری از طریق طراحی فضا، هنجارسازی | نظارتی-هنجارساز |

اگرچه در دهه‌های اخیر قدرت از جنبه‌های مختلف مورد توجه پژوهشگران و برنامه‌ریزان قرار گرفته است؛ با این حال تفاوت پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌های مرتبط، استفاده از معیارهای کلان ارائه شده در رابطه با ابعاد قدرت در علوم سیاسی و جست‌وجوی مصادیق آن در برنامه‌ریزی شهری است که در ادامه در رابطه با نمونه مورد مطالعه بیشتر تشریح خواهد شد.

روش پژوهش

پژوهش کیفی حاضر از نظریه مبنایی بهره خواهد برد. نظریه مبنایی، مجموعه‌ای از روندها را به کار می‌گیرد تا نظریه‌ای مبتنی بر استقرا درباره پدیده‌ای ایجاد کند (شریف‌زادگان و ندائی طوسی، ۱۳۹۴، ۱۵۰). مراحل انجام این روش نیز عبارت‌اند از تعیین مسئله پژوهش، گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل و ارائه نظریه؛ البته نمونه‌گیری به موازات شناسایی مفاهیم و نیاز به افراد، مکان‌ها و موقعیت‌های بیشتر و ارائه نظریه صورت خواهد گرفت (شریف‌زادگان و ندائی طوسی، ۱۳۹۴، ۱۵۲). نظریه مبنایی از سه سنت اصلی کلاسیک (گلیسر و استراوس)، تفسیری (استراوس و کوربین) و برساخت‌گرا (کتی چارمز) تشکیل شده است. در مورد برساخت‌گرا، بر خلاف سنت کلاسیک، پژوهشگر تنها نقش ماشین ترکیب داده‌ها را ندارد، بلکه بینش، چشم‌اندازها و کاربست‌های حال و گذشته او نقش پررنگی در انتخاب و تولید داده‌ها، کدگذاری و برساخت نظریه دارد (Kenny & Fourie, 2015; Charmaz, 2014). پژوهشگری که از نظریه برساخت‌گرایی بهره می‌برد، به دنبال ارائه تصویری دقیق از جهان مورد مطالعه نیست، بلکه تفسیری از آن را ارائه می‌دهد. حاصل این تفسیر نظریه‌ای خواهد بود که از تعامل و همفکری بین پژوهشگر و موضوع مورد مطالعه / افراد مصاحبه‌شونده برساخت خواهد شد (Charmaz, 2014). پژوهش حاضر از رهیافت برساخت‌گرا که به‌زعم چارمز برای پژوهش انتقادی مناسب است؛ بهره خواهد برد (Charmaz, 2016). روابط قدرت در برنامه‌ریزی باید بر چهارچوبی مفهومی استوار شده و در زمینه، مکان، زمان و مقیاسی مشخص مورد توجه قرار گیرند (Albrechts, 2003). در این پژوهش نیز ابتدا مفاهیم مرتبط با ابعاد چهارگانه قدرت از متون اصلی استخراج شده است و سپس در مکان، زمان و مقیاس مشخص مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از عرصه‌هایی که در دو دهه گذشته در حوزه مستغلات تهران رونق گرفته است، ساخت مال‌های تجاری-خدماتی بزرگ مقیاس تحت عنوان مگامال است که با چالش‌های بی‌شماری از قبیل تخلف از برنامه‌های مصوب، تخریب باغات، ایجاد مشکلاتی در اجتماع محلی شامل اختلالات ترافیکی و تغییر بافت جمعیتی و همچنین کنترل اجتماعی همراه بوده است (رجوع شود به کاظمی و امیرابراهیمی، ۱۳۹۷؛ ایزدپناه و حبیبی، ۱۳۹۷ و ۱۴۰۰). مطابق با شکل (۱)، منطقه یک تهران بیشترین سهم را در توسعه مگامال‌ها داشته است از این روی به‌عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شده است. بر این مبنای چگونگی اعمال قدرت در مگامال‌سازی‌های (مقیاس) صورت گرفته در دو دهه اخیر (زمان) در منطقه یک تهران (مکان) مورد بررسی قرار خواهد گرفت.



شکل ۱. توزیع مگامال‌ها در شهر تهران

منبع: Esfandi & Nourian, 2021

در بررسی ساخت مگامال‌ها از منظر تولید فضا، سه گروه اصلی قابل شناسایی هستند که گویی با ائتلافی پنهان در جهت حمایت از آن عمل می‌کنند. گروه اول سرمایه‌گذاران هستند که به جهت منافع مالی به ساخت مگامال‌ها گرایش دارند. دومین گروه مدیریت شهری است که با ساخت این پروژه‌ها حتی با وجود تخلفات آشکار موافقت می‌کند. گروه سوم نیز شهروندانی هستند که با بازدید از آن‌ها زمینه رونق هر چه بیشتر آن را فراهم می‌کنند؛ به گونه‌ای که در یک طرح پژوهشی در مصاحبه با ۲۲۰۰ شهروند تهرانی مشخص شده است که بازدید از این مراکز سومین اولویت تفریحی برای آنان است (کاظمی و امیرابراهیمی، ۱۳۹۷). البته این اقبال شهروندان در واقعیت با گسترش مگامال‌سازی، متضاد با منافع عمومی آنان است؛ در ادامه، با بررسی ابعاد قدرت به تشریح این تناقض خواهیم پرداخت.

داده‌های این پژوهش مطابق با جدول (۳) از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته و دیدگاه‌های ثبت‌شده در وب‌سایت‌ها و همچنین بررسی اسناد مرتبط با سه مگامال ارگ تجریش، پالادیوم و اطلس مال جمع‌آوری شده است. البته قابل ذکر است که سرمایه‌گذاران حاضر به مصاحبه نشدند و به مشاوران خود ارجاع دادند.

جدول ۳. لیست و حوزه کاری افراد مصاحبه‌شونده

| منبع | تعداد نمونه | روش نمونه‌گیری |
|----------------------------------|-------------|----------------|
| مصاحبه عمیق | ۱۸ | هدفمند |
| اسناد | ۳ | تمام‌شماری |
| مقالات | ۲۳ | در دسترس |
| مصاحبه‌های ثبت‌شده در وب‌سایت‌ها | ۳۵ | تمام‌شماری |

در پژوهش به شیوه نظریه‌مبنایی، انجام چند مصاحبه اضافی پس از دست یافتن به اشباع نظری، جمع‌آوری شواهد متعدد، تعامل عمیق و طولانی‌مدت و کنترل تمامی مراحل طراحی و انجام مصاحبه‌ها و همچنین شفاف‌سازی کلیه رویه‌های انجام پژوهش توصیه می‌شود (کاظمیان و شاه‌محمدی، ۱۳۹۸). در پژوهش حاضر سعی شد که این موارد رعایت شوند. علاوه بر آن چارمز و تورنبرگ، معیارهای برای ارزش‌گذاری روش برساخت‌گرایی ارائه داده‌اند که شامل تطبیق^{۱۶}، عملی بودن^{۱۷}، مرتبط بودن^{۱۸}، تعدیل‌پذیری^{۱۹}، مقبولیت^{۲۰}، اصالت^{۲۱}، همنوایی^{۲۲} و سودمندی^{۲۳} هستند (Charmaz, and Thornberg, 2021). این پژوهش معیارهای فوق را داراست و نظریه حاصل:

- به روشنی با داده‌ها تطبیق دارد؛ چراکه کدهایی که نظریه را شکل داده‌اند بر مبنای داده‌ها شکل گرفته‌اند.
- عملی است چرا که اعمال قدرت را به روشنی تفسیر می‌کند؛ به گونه‌ای که برای افراد غیرحرفه‌ای نیز قابل فهم است.
- مرتبط است؛ چراکه نظریه بر فرایندها و مسائل اصلی متمرکز شده است.
- تعدیل‌پذیر است؛ چراکه وضعیتی و خطاپذیر است و داده‌های جدید می‌توانند نظریه را بسط دهند.
- مقبولیت دارد؛ چراکه مصاحبه با کسانی صورت گرفته که اولاً در گروه‌های مختلف مرتبط با مگاپروژه‌ها قرار گرفته‌اند و ثانیاً تجربه و تخصص کافی را در این زمینه دارا بودند و در نهایت اینکه مراحل ساخت نظریه به روشنی تشریح شده است.
- اصالت دارد؛ چراکه رهیافتی اکتشافی و باز دارد که دیدگاه‌های جدیدی را پیشنهاد داده است.

- هم‌نواپی دارد، چراکه عاملیت گروه‌های مرتبط با مگامال‌سازی می‌تواند از طریق فرایندهایی ارائه شده، تشخیص داده شود.
- سودمند است؛ چراکه خطوط جدیدی از پژوهش را ایجاد کرده است که می‌تواند جرقه‌هایی برای پژوهش بیشتر ایجاد کند.

یافته‌های پژوهش

داده‌های حاصل از پژوهش به روش کدگذاری مطابق با جدول (۴) مورد تحلیل قرار گرفت. قابل ذکر اینکه اگرچه این پژوهش از دیدگاه‌های متفاوت و گاه متضاد در جمع‌آوری داده‌ها استفاده کرده است، با این حال تحلیل داده‌ها با تمرکز بر وجوه انتقادی و منفی مگامال‌ها که گاهاً به‌طور ضمنی بیان شده‌اند، صورت گرفته است. هر کد با یک حرف انگلیسی و دو عدد نشان داده شده است. حرف انگلیسی معرف گروه (سرمایه‌گذار I، مدیریت شهری M، خبرگان شهری E، شهروندان C)، عدد اول نشانه شماره منبع اطلاعاتی و حرف دوم بیانگر شماره کد توصیفی در تحلیل هر یک از ۷۹ منبع داده‌ای است. تحلیل‌های حاصل از کدگذاری اولیه و متمرکز در قالب کدهای توصیفی و مفهومی ارائه شده‌اند. در مرحله بعد کدهای مفهومی بر مبنای مفاهیم حاصل از ابعاد قدرت دسته‌بندی شدند و در نهایت در قالب تم‌ها به نمایش گذاشته شده‌اند. در ادامه هر یک از تم‌ها تشریح خواهد شد.

جدول ۴. خلاصه‌ای از مراحل کدگذاری داده‌ها

| تم | دسته‌بندی | کدهای مفهومی | کدهای توصیفی |
|--------------------|----------------------------------|--|--|
| همسو با منافع قدرت | تعارض منافع | تعارض با برنامه‌های مصوب | تخلف از برنامه‌های مصوب، تغییر خط مترو، تصرف اختصاصی فضاهای عمومی، تغییر کاربری از باغ و پارکینگ عمومی به تجاری |
| | | کاهش کیفیت محلات | تضاد منافع بین محله‌محوری و سبک زندگی مدرن مرتبط با مگامال‌سازی، از بین رفتن فضاهای محلی، مخالفت ساکنین محلات میزبان مگامال‌ها، انتقاد از ساخت مگامال در کوچه ۱۰ متری، انتقاد از برهم خوردن آرامش محله، انتقاد از افزایش ترافیک، کاهش کیفیت سکونت در محله‌های میزبان مگامال‌ها، کاهش محله‌گرایی |
| | | تخریب محیط‌زیست | بی‌توجهی به معضلات محیطی، بی‌توجهی به ظرفیت حمل ^{۲۴} مناطق، بی‌توجهی به اثرات محیط‌زیستی در صدور مجوز ساخت، عدم ارزیابی اجتماعی و محیط‌زیستی مگامال‌ها، تخریب باغات |
| | | مکانیابی بر مبنای سود | مکانیابی در مناطق برخوردار، تمرکز مگامال‌ها در مناطق مرفه، ساخت بیشترین مگامال‌ها در منطقه یک |
| | | منافع اقتصادی هنگفت برای شهرداری و سرمایه‌گذاران | سهم کلان مگامال‌ها در تأمین مالی شهرداری‌ها، سود فراوان سرمایه‌گذاری در مگامال‌سازی |
| هم‌راستا با انحصار | انحصار در دریافت وام و مجوز ساخت | مالکیت مگامال‌ها توسط نهادهای خاص و وابسته به دولت | ساخت اکثریت مگامال‌ها توسط شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی یا وابسته به بانک‌ها، نقش پررنگ بانک‌ها در تأمین تسهیلات مگامال‌سازی، ورود نهادهای نیمه‌دولتی، نظامی و انتظامی به مگامال‌سازی، وابستگی مستغلات به نهادهای خاص، ردپای نهادهای خاص در پروژه‌های مورد مطالعه، ناتوانی مالی بخش خصوصی در مگامال‌سازی بدون لابی با قدرت |
| | | دشواری تأمین هزینه | انحصار در سیستم بانکی، هزینه بالای سرمایه‌گذاری در مگامال‌ها |
| | | دشواری دریافت مجوز | نقش کارفرما در تصویب طرح، مسیر دشوار دریافت مجوز |

| تم | دسته‌بندی | کدهای مفهومی | کدهای توصیفی |
|---|----------------------|---|--|
| همراه با مشروع‌سازی و عقلانی‌سازی | مشروع‌سازی | دریافت عنوان قانونی با وجود تخلف | دارا بودن مجوز، قانونی بودن به دلیل پرداخت جرایم |
| | | تسلط قدرت بر قانون | نقش قدرت در شکل‌دهی به قوانین، تغییر قوانین به نفع قدرت، تفسیر به رأی قوانین، دریافت مجوز برای پروژه‌هایی با تخلفات شگرف و آشکار، تغییر در فرایندهای دریافت مجوز |
| | عقلانی‌سازی | دفاع از گسترش مگامال‌ها به بهانه‌های مختلف | اشاره به سایر پروژه‌های متخلف، ظرفیت داشتن تهران برای تجاری‌سازی، مقایسه مگامال‌های کشور با سایر کشورها |
| | | دفاع از مگامال‌ها با ارجاع به برخی منافع آن برای شهروندان | ارتقاء جایگاه شهر، تولید اشتغال، جذب گردشگر خارجی، ارائه خدمات، ایجاد افق امیدبخش، پاسخ به نیاز شهروندان در رابطه با آرزوی داشتن چنین مراکزی، افزایش سهم فضاهای خدماتی به خرده‌فروشی، ایجاد تسهیلات |
| | | تسلط قدرت بر اطلاعات | مشخص نبودن تعداد مگامال‌ها، عدم شفافیت در فرایندهای ساخت، تحریف اطلاعات |
| | تسلط قدرت بر آگاهی | رضایت شهروندان از مگامال‌ها، جای داشتن مگامال‌ها در اولویت تفریحی شهروندان، عدم گفتمان انتقادی در بین کاربران مگامال‌ها | |
| هم‌ردیف با سراسربین | کنترل و هدایت رفتاری | انضباط اجتماعی | کنترل فضایی مگامال‌ها از طریق کنترل ورود و حتی لزوم اجازه برای عکسبرداری از محل، جای دادن جمعیت در فضای کنترل‌شده‌تر بدون تعامل با یکدیگر، کنترل در کنار آزادی ظاهری، کنترل فضا توسط مالک، کنترل دسترسی به فضا، کنترل رفتاری از طریق نگاه مردم |
| | | محدود شدن فعالیت‌های مدنی | کاهش سرمایه اجتماعی پل‌زننده، محدودیت فعالیت‌های مدنی و سیاسی، کاهش انسجام اجتماعی |
| | | حذف گروه‌های ضعیف از جامعه هدف | جامعه هدف طبقه متوسط به بالای جامعه، جدایی اجتماعی، حذف گروه درآمدی پایین از جامعه هدف، نابرابری در مصرف، طرد |
| | | ترویج مصرف‌گرایی | ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی، نقش معنادار محرک‌های محیطی بر رفتار خرید تصادفی کاربران، نقش عوامل محیطی علاوه بر خود کالا یا خدمت، ایجاد توهم در به تصویر کشیدن فضایی با کیفیت، ایجاد نیاز کاذب، تبدیل کاربران به برده مصرف، کالاشدگی زندگی شهری، خرید غیرضروری |

بعد آشکار و اقتصادی-اجتماعی قدرت؛ مگامال‌سازی همسو با منافع قدرت

آشکارترین وجه اعمال قدرت در فرایند توسعه مگامال‌ها، تولید فضا بر حسب منافع گروه‌های خاص است. در وهله اول، مطالعه اسناد حاکی از تخلفات گسترده این مراکز است. تغییر کاربری باغ ۱۰ هزار متری گیاهی در جهت ساخت ارگ تجریش، تغییر مسیر خط ۳ مترو ناشی از ساخت اطلس مال و اتصال ساختمان شمالی و جنوبی توسط یک پل هوایی ۴۰ متری بخشی از تخلفات گسترده این پروژه‌ها است که با منافع شهروندان در تعارض کامل است. همچنین ساخت این پروژه‌های بزرگ مقیاس در دل محلات، مشکلات بسیاری را برای ساکنان به وجود آورده است که در مصاحبه با ساکنان نیز به کرات این نارضایتی اعلام شده است. از جمله:

قبلاً اینجا خیلی محله خوبی بود ولی از وقتی این‌ها را ساختند، یک لحظه آرامش نداریم؛ سروصدا از یک طرف و ترافیک وحشتناک از طرف دیگر... (C4-1).

اما موردی که لازم است مورد توجه قرار بگیرد این است که اکثر کاربران مگامال‌ها نه تنها انتقادی از مگامال‌ها ندارند، بلکه بازدید از این مراکز را در اولویت تفریحی خود قرار داده‌اند. این اختلاف بین دیدگاه کاربران با ساکنان مناطق هدف از طریق انگاشت^{۲۵} NIMBY قابل تبیین است؛ بدین معنی که توسعه مگامال‌ها مورد پذیرش است، اما نه در محله‌ای که من سکونت دارم. البته بدیهی است فقدان فضای عمومی مطلوب و متکثر، ضوابط مرتبط با فضاهای عمومی از جمله نوع پوشش، شرایط نامطلوب فضاهای عمومی از جنبه آسایش اقلیمی و امنیت و همچنین خصوصیات مرتبط با کاربران (از جمله سن و جنس) بر استقبال آن‌ها از این مراکز اثر دارد؛ با این حال ریشه‌یابی علل اقبال کاربران از اهداف این پژوهش نبوده است؛ بلکه چگونگی اعمال قدرت مدنظر است که از طریق بررسی مصادیق ابعاد قدرت صورت گرفته است. با این حال این گفتمان انتقادی در بین اکثر خبرگان شهری وجود داشت. یکی از آن‌ها به خوبی به این تعارض منافع اشاره کرده است:

مال‌ها، فضای تولید شده توسط جامعه سرمایه‌داری هستند که مطابق میل سرمایه‌داران ساخته و جانمایی می‌شود، فضایی‌هایی دور انداختنی که بر پایه قانون تملک و ارزش مبادله بنا شده‌اند و به شهر و خواست عمده ساکنین توجهی ندارند (E17-2).

اما منافع حاصل از مگامال‌سازی برای مدیریت شهری از یک‌سوی و برای سرمایه‌گذاران از دیگر سوی بسیار کلان است. در تأیید این مطلب می‌توان به گفته دو تن از مشاوران در حوزه مگامال‌سازی اشاره کرد:

شهرداری‌ها معمولاً بین یک سوم تا یک چهارم ارزش یک مال تمام شده را حتی پیش از کلنگ زدن زمین آن مال، طلب می‌کنند (8-13).

9

یکی از مال‌ها، ۱۲ سال پیش متری بین ۱۳ تا ۱۶ پیش فروش کرد، الان بالای ۶۰۰، ۷۰۰ میلیون است (۱۱-۵).

بنابراین در این تعارض آشکار برندگان سرمایه‌گذاران و مدیریت شهری هستند و بازنده شهر و شهروندانی هستند که منافع‌شان نادیده گرفته شده است.

بعد پوشیده و رویه‌ای قدرت؛ مگامال‌سازی هم‌راستا با انحصار

در سطح بعدی آنچه از تحلیل داده‌ها حاصل شده است این است که مگامال‌سازی به صورت انحصاری صورت می‌گیرد. از سویی تبارشناسی مگامال‌های امروز تهران، وابستگی آن‌ها را با نهادهای خاص آشکار می‌کند و از سویی دیگر فرایندهای دشوار دریافت مجوز و وام برای ساخت که هر کسی قادر به انجام آن نیست بیانگر وجود انحصار در این حوزه است. یکی از خبرگان شهری در این باره این گونه نتیجه‌گیری کرده است:

همان‌طور که سال‌هاست می‌توان گفت بازار مسکن انحصاری شده، بازار مال‌سازی هم انحصاری است. این را می‌شود هم از تبارشناسی مال‌ها دریافت و هم این که سرمایه نسبت به دهه ۸۰ خیلی انحصاری‌تر شده است که نمود آن هم ابعاد مال‌هایی است که می‌سازند، نوع معاملاتی که می‌شود و... (E2-11).

یکی از مشاوران نیز این گونه به ناتوانی بخش خصوصی در تأمین هزینه‌های مگامال‌سازی اشاره کرده است که بدون لابی با نهادهای قدرت امکان‌پذیر نیست:

شخص چقدر سرمایه می‌تواند بگذارد، یک مجتمع کوچک در شهری مثل پردیس موقعی که متری ۲۵۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری بشود، می‌شود ۱۵۰۰ میلیارد تومان؛ این رقم خیلی بالاست برای همین خیلی کم نفرات شخصی سراغش می‌روند (4-11).

منابع نجومی مورد نیاز برای ساخت مگامال‌ها، نوعی انحصار در این حوزه به وجود می‌آورد؛ منابعی که بانک‌ها در تأمین آن نقش مهمی دارند و تأمین این منابع و یا دریافت وام از عهده هر کسی بر نمی‌آید. علاوه بر آن دریافت مجوز برای برخی از این مگامال‌ها با وجود تخلفات شگرف نیز خود حکایت از نوعی انحصار دارد که هر کسی قادر به دریافت آن نیست. البته پیش از همه این‌ها باید به حذف شهروندان از فرایند تصمیم‌سازی اشاره کرد که در سطوح مختلفی صورت می‌گیرد.

بعد نهفته و مشروعیت‌بخش - عقلانی‌سازی قدرت؛ مگامال‌سازی همراه با مشروع‌سازی و عقلانی‌سازی

سومین بعد قدرت به اثری می‌پردازد که قدرت بر عقلانیت، حقیقت، اطلاعات، آگاهی، دانش و قانون می‌گذارد. این اثرگذاری را می‌توان تحت عناوین مشروع‌سازی و عقلانی‌سازی تشریح کرد. مشروع‌سازی ناظر بر این است که چگونه پروژه‌هایی که از برنامه‌های رسمی عدول کرده‌اند، با دریافت مجوز عنوان قانونی را کسب می‌کنند. در اکثر مصاحبه‌ها نیز به این مورد اشاره شده بود که مگامال‌ها کلیه مجوزها را دریافت کرده‌اند. از جمله:

از آنجا که این مراکز دارای پروانه ساختمانی بوده و تمامی مجوزهای لازم را از سوی شهرداری و کمیسیون‌های شهرسازی اخذ کرده‌اند، نمی‌توان عنوان تخلف را برای آن‌ها به کار برد (E22-3).

سیستم برنامه‌ریزی شهری توانایی این را دارد که با صدور و یا عدم صدور مجوز ساخت و بهره‌برداری بر مشروعیت فضاها اثر گذارد. بررسی اسناد سه پروژه مورد مطالعه که دارای تخلفات گسترده‌ای هستند و با این وجود عنوان قانونی را نیز دریافت کرده‌اند، این مشروع‌سازی را به خوبی تشریح می‌کند. این مشروع‌سازی به مدد تفسیر به رأی قانون و مرزهای سیال قانونی صورت می‌گیرد. در حقیقت جرایم در نظر گرفته شده برای تخلف از طرح تفصیلی برای بازسازی از چنین تخلفاتی است، اما در واقعیت امکان هر نوع تخلفی با پرداخت جریمه میسر شده است. با این حال در اکثر مصاحبه‌ها، مدیریت شهری به توجیه کار خود پرداخته است. به عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

شهرداری فقط اجرا کننده است. کسی که جواز می‌خواهد نمی‌شود بگوئیم جواز نمی‌دهیم (M4-2).

یا

درخواست‌های مختلفی به شهرداری می‌آید که باید بررسی شود و همین جوری مجوز نمی‌دهیم... خود من پرونده‌ای دارم که حدود شش ماه پیش به دستم رسیده و هنوز در حال کارشناسی است (M1-3).

و یا

بالاخره در هر پروژه‌ای باید درآمدی برای هر اداره‌ای وجود داشته باشد برای ما (شهرداری) هم باید درآمدی وجود داشته باشد (M2-5).

از سوی دیگر قدرت با عقلانی‌سازی سعی در توجیه خود دارد. دفاع از تعداد مگامال‌ها با مقایسه مگامال‌های تهران با کشورهایی چون ترکیه و امارات متحده عربی و اشاره به منافع چون اشتغال‌زایی و ارتقاء جایگاه شهر از این دست عقلانی‌سازی‌ها است. اما باید توجه داشت که ساخت مگامال‌ها در چنین کشورهایی در واقعیت توانسته است به جذب گردشگر بیانجامد؛ حال آنکه مزیت کشور ما آثار فرهنگی و تاریخی ارزشمندی است که در صورت فراهم بودن زیرساخت‌ها خود به‌تنهایی برای جذب گردشگر کفایت می‌کند. از سوی دیگر

اگرچه مگامال سازی منافی را برای شهروندان به دنبال داشته است اما نمی‌تواند در برابر چالش‌هایی که برای شهر به وجود آورده است، قانع کننده باشد. پرسش این است که چه منفعتی می‌تواند با تخریب باغ ۱۰ هزار متری و یا کاهش کیفیت محلات برابری کند. همچنین افزایش سطح خدمات به خرده‌فروشی نه در جهت خدمت‌رسانی بهتر به شهروندان، بلکه ترفندی برای جذب بیشتر مردم است. یکی از مشاوران این گونه به اهمیت سطح خدمات در رونق مگامال‌ها اشاره کرده است:

اگر قبلاً به سرمایه‌گذارها می‌گفتیم ۸۰ درصد را به خرده‌فروشی اختصاص دهد و ۲۰ تا ۳۰ را به خدماتی، الان برعکس شده می‌گوییم ۷۰ درصد رو به خدماتی و ۳۰ درصد را به خرده‌فروشی اختصاص دهد (6-15).

مشخص نبودن تعداد مگامال‌ها از دیگر موارد مورد توجه است که نشان می‌دهد چگونه شهرداری تهران سعی در مخفی نگه داشتن آمار و اطلاعات مربوط به آن‌ها دارد. عباس کاظمی و مسرت امیرابراهیمی در طرح پژوهشی خود در رابطه با مگامال‌ها، بارها به دشواری‌های ناشی از نبودن اطلاعات کامل در این زمینه و مسائل مربوط به پیمایش آن‌ها جهت جمع‌آوری اطلاعات اشاره کرده‌اند. تحریف اطلاعاتی نیز از موارد مورد توجه در این زمینه است. به‌عنوان نمونه به پروژه ارگ تجریش می‌توان اشاره کرد که چگونه تغییر تدریجی عنوان پروژه از پارکینگ امیرکبیر به پارکینگ طبقاتی، تجاری و فرهنگی و در نهایت با رسیدن پروژه به مراحل نهایی به مجتمع تجاری ارگ، توانست از اعتراض به آن در مراحل ساخت جلوگیری کند. اما سوی دیگر این توسعه خارج از برنامه، شهروندان قرار دارند که با استقبال خود از این مراکز زمینه رونق آن‌ها را فراهم می‌کنند. اکثر کاربران بدون هیچ‌گفتمان انتقادی از فواید این مراکز سخن راندند از جمله:

اینجا حق انتخاب بالا است، تخفیفات خوب دارد و محیط تمیز و مساعد دارد (4-5C).

تصور داشتن آزادی و حق انتخاب با دستکاری آگاهی سعی در پوشاندن اعمال قدرت در چنین مراکزی دارد و بنابراین گویی قدرت موفق شده است که با دستکاری آگاهی از یک سوی به توجیه خود بپردازد و از سوی دیگر زمینه گسترش خود را فراهم کند. البته همان‌گونه که قبلاً ذکر شد محدودیت کیفی و کمی در فضای عمومی و همچنین معیارهای حاکم بر فضای عمومی خود از دلایلی است که زمینه استقبال کاربران از مگامال‌ها را فراهم می‌کند و بنابراین نمی‌توان به کاربران خرده گرفت که چرا از چنین مراکزی بازدید می‌کنند. با این حال آنچه در این پژوهش مورد تأکید است، عدم آگاهی مردم از روابط زیرکار این مراکز است که مانع از شکل‌گیری گفتمان‌های انتقادی در این زمینه می‌شود.

بعد چهارم و نظارتی-هنجارساز قدرت؛ مگامال همسان با سراسرین

در آخرین بعد آنچه باید مورد توجه قرار گیرد. محصول توسعه‌ای برنامه‌ریزی شهری است که در این پژوهش مگامال‌ها هستند. این فضاهای شبه‌عمومی با کنترل و هدایت رفتاری که بر کاربران دارند، نوعی از اعمال قدرت را آشکار می‌کنند. منظور از کنترل در اینجا طرد و دربردارندگی است که بر ورود و رفتار افراد صورت می‌گیرد. یکی از برنامه‌ریزان به این کنترل این گونه اشاره کرده است:

مال خصوصی است و دسترسی برای همه فراهم نیست. مثلاً کسی که خانه به دوش است نمی‌تواند برود آنجا به دو شیوه اولاً شیوه قهری که احتمالاً انتظامات گوشش را می‌گیرد و بیرونش می‌کند و ثانیاً نمی‌تواند برود چون حس خوبی ندارد (9-7E).

اما پس از اینکه افراد اجازه ورود یافتند، نوع دیگری از کنترل به‌همراه هدایت رفتاری در این مراکز صورت می‌گیرد. این هدایت رفتاری هم بر عدم ایجاد فعالیت‌های سیاسی، کاهش تعاملات اجتماعی و نوع پوشش

افراد اثرگذار است و هم به واسطه محرک‌های محیطی با رواج مصرف‌گرایی مرتبط است. گفته‌های دو تن از کاربران مگامال‌ها به فهم این هدایت رفتاری کمک می‌کند:

اگر شما با پوشش معمولی وارد آن شوید مردم جوری به شما نگاه می‌کنند که حس بدی دارد (C3-7).

و یا

بعد از این که برمی‌گردم به خانه می‌بینم کلی چیز خریدم که اصلاً نیازی نداشتم؛ ولی اگه خریدم هم نکنم افسرده می‌شوم. کلاً هر وقت روحیه‌ام خرابه سعی می‌کنم بروم خرید کنم... (C2-4).

البته آنچه حائز اهمیت است، توجه به نقش کاربران در این بعد از اعمال قدرت است. اعمال کنترل و نظارت در این مراکز آن‌چنان که لنگمن نیز اشاره کرده است، کمتر از طریق نگهبانان صورت می‌گیرد، بلکه کنترل سراسرییی حضور دارد و به گفته فوکو عاملان این قدرت انضباطی مردم هستند. بنابراین محصول اعمال قدرت در بعد نظارتی-هنجارساز، توسعه‌ای هم‌تراز با سراسرییی است که در آن رفتار فرد تحت نظارت خود، نگاه دیگران و محیط قرار دارد.

نتیجه‌گیری

برنامه‌ریزان نیازمند تحلیلی هستند از آنچه در واقعیت در تصمیم‌سازی و اجرا، در گذر از برنامه به تصویب رسمی برنامه و در اجرای آن صورت گرفته است که غالباً در تقابل با چیزی است که به صورت هنجاری مایل اند اتفاق بیفتد. بررسی چگونگی اعمال قدرت در برنامه‌ریزی شهری این امکان را به برنامه‌ریزان می‌دهد که کیفیت تحلیل‌های خود را بهبود بخشیده و از ارائه طرح‌های تجریدی فارغ از زمان، مکان و ارزش‌ها دوری کنند. اگرچه ابعاد قدرت در علوم سیاسی بسیار مورد توجه هستند، اما در برنامه‌ریزی شهری کمتر به آن پرداخته شده است و یا اینکه به صورت همه‌جانبه بررسی نشده‌اند. در این پژوهش با استفاده از ابعاد و معیارهای قدرت در علوم سیاسی کوشش شده است تا با توجه به ظرفیت‌های برنامه‌ریزی این ابعاد مورد تحلیل قرار گیرند. از این روی ابعاد قدرت در علوم سیاسی جهت تحلیل چگونگی اعمال قدرت در توسعه مگامال‌ها در منطقه یک تهران به کار گرفته شده است. بر این مبنا مصادیق چهار بعد قدرت در توسعه مگامال‌های منطقه یک تهران به شرح ذیل قابل اشاره هستند:

- بعد آشکار: در توسعه مگامال‌ها، تعارضی آشکار بین منافع شهروندان از یک‌سوی و منافع سرمایه‌گذاران و مدیریت شهری از دیگر سوی وجود دارد که اغلب گروه دوم به بهای از بین رفتن منافع شهروندان، برندگان این تعارض هستند.
 - بعد پوشیده: در رویه تصمیم‌سازی برای ساخت مگامال‌ها اولاً شهروندان از میز تصمیم‌سازی کنار گذاشته شده‌اند و ثانیاً به دلیل کلان بودن میزان سرمایه و فرایند دشوار دریافت مجوز، نوعی انحصار وجود دارد.
 - بعد نهفته: با وجود فرا رفتن تعداد مگامال‌ها از نیاز شهر و تخلفات آشکار برخی از این مگامال‌ها، همچنان توسعه آن‌ها به واسطه مشروع‌سازی و عقلانی‌سازی توجیه می‌شود و ادامه می‌یابد.
 - بعد انضباطی: مگامال‌ها خود به‌عنوان فضای شبه‌عمومی، تداعی‌کننده نوعی سراسرییی هستند که با طرد برخی گروه‌ها، کنترل رفتاری و رواج مصرف‌گرایی نوعی انضباط را بر فضا حاکم می‌کنند.
- لازم به ذکر است که اگرچه شهروندان در کنار سرمایه‌گذاران و مدیریت شهری به گسترش و رواج مگامال‌ها دامن می‌زنند، ولی با آگاهی کاذب تنها به جنبه‌های مثبت این مراکز توجه دارند و کمتر گفتمان انتقادی

در بین آن‌ها وجود دارد؛ حتی در مواردی که اشاره دارند در بازدید از این مراکز پوشش ویژه‌ای دارند، از اعمال قدرت در این مراکز آگاه نیستند. البته همان‌گونه که تشریح شد این استقبال کاربران ریشه در مواردی چند چون نقصان در فضای عمومی دارد و نمی‌توان با موضعی تقلیل‌گرایانه به کاربران خرده گرفت؛ چراکه اساساً گزینه‌های مطلوب برای تفریح آن‌ها محدود است. با این حال در این پژوهش مقصود این بوده است که به چگونگی اعمال قدرت از طریق ابعاد گوناگون قدرت و از جمله آگاهی کاذب توجه شود و چرایی آن شامل علل استقبال کاربران از این مراکز مورد بررسی نبوده است.

مدیریت شهری و سرمایه‌گذاران نیز صدور مجوز برای این مراکز را عقلانی، قانونی و مشروع محسوب کرده و از منافع آن برای شهر و شهروندان سخن می‌رانند. با این حال در بین کلیه خبرگان شهری این گفتمان انتقادی وجود داشت و از بی‌اثر شدن برنامه‌های شهری تحت اعمال قدرت برای ساخت این مراکز انتقاد داشتند. مورد مگامال‌سازی تهران نشان می‌دهد که قدرت انگاشتی تحلیلی تجریدی نیست؛ بلکه مجموعه‌ای عینی از روابط درونی است که بخشی از واقعیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است. این اعمال قدرت هم می‌تواند از داخل بدنه برنامه‌ریزی باشد و هم خارج از آن؛ در صورت این اعمال قدرت به واسطه برنامه‌ریزی شهری صورت می‌گیرد. همچنین اعمال قدرت در مراحل مختلفی از برنامه‌ریزی می‌تواند صورت گیرد، که در این پژوهش بیشتر بر مرحله اجرای برنامه و بهره‌برداری، تمرکز شده است. پژوهش‌های آتی می‌توانند به اعمال قدرت در دیگر مراحل برنامه‌ریزی و یا شناسایی سایر سازوکارهای هر بعد از قدرت و جست‌وجوی دیگر مصادیق ابعاد قدرت در برنامه‌ریزی شهری بپردازند.

پی‌نوشت‌ها

1. Exercise of power
2. Power over
3. Emancipation
4. Overt
5. Covert
6. Hidden
7. Latent
8. Social consciousness
9. Subjectification
10. Panopticon
11. Disciplinary power
12. Objectification
13. Habitus
14. Progressive
15. Regressive
16. Fit
17. Work
18. Relevance
19. Modifiability
20. Credibility
21. Originality
22. Resonance
23. Usefulness



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

24. Carrying capacity
25. Not in My Back Yard

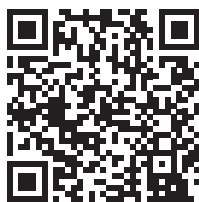
منابع

- ایزدپناه، محبوبه، و حبیبی، میترا (۱۳۹۷). تحلیل و ارزیابی جایگاه مال‌ها به مثابه فضای عمومی مطالعه موردی: مرکز خرید پالادیوم تهران. فصلنامه شهر پایدار، ۱(۴)، ۳۷-۵۶.
- ایزدپناه، محبوبه، و حبیبی، میترا (۱۴۰۰). تحلیلی بر تعارضات مراکز خرید بزرگ مقیاس شهر تهران از منظر منفعت عمومی. معماری و شهرسازی آرمانشهر، ۱۴(۳۵)، ۲۵۷-۲۷۴.
- شریف‌زادگان، محمد حسین، و ندائی طوسی، سحر (۱۳۹۴). روش‌های پژوهش کیفی در برنامه‌ریزی توسعه با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای تهران. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- کاظمی، عباس، و امیرابراهیمی، مسرت (۱۳۹۷). مطالعه ابعاد فرهنگی و اجتماعی مگامال‌ها و مجتمع‌های بزرگ تجاری. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- کاظمیان، غلامرضا، واعظی، رضا، قربانی‌زاده، وجه‌اله، و شاه‌محمدی، مرضیه (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی شکل‌گیری حکمروایی محلی در ایران با روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد ساخت‌گرا. جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۶(۱)، ۶۳-۸۰.
- رفیعیان، مجتبی، تقوایی، علی اکبر، و شاه‌محمدیان، هانیه (۱۳۹۷). تحلیلی بر مناسبات قدرت در فرایند برنامه‌ریزی طرح‌های توسعه شهری نمونه موردی: محور ۱۷ شهریور تهران. فصلنامه جغرافیا و توسعه، ۱۶(۵۲)، ۹۷-۱۱۶.
- Albrechts, L. (2003). Planning and power: towards an emancipatory planning approach. *Environment and Planning*, 21, 905 - 924.
- Allmendinger, P.; & Gunder, M. (2005). Applying Lacanian insight and a dash of Derridean deconstruction to planning's dark side. *Planning Theory*, 4(1), 87-112.
- Charmaz, K. (2014). *Constructing grounded theory. (2nd edition)*. London: Sage publications.
- Charmaz, K. (2017). The Power of Constructivist Grounded Theory for Critical Inquiry. *Qualitative Inquiry*, 23(1), 34-45.
- Charmaz, K; & Thornberg, R. (2021). The pursuit of quality in grounded theory. *Qualitative research in psychology*, 18(3), 305-327.
- Digeser, P. (1992). The Fourth Face of Power. *The Journal of Politics*, 54(4), 977-1007.
- Esfandi, S., & Nourian, F. (2021). Urban carrying capacity assessment framework for mega mall development. A case study of Tehran's 22 municipal districts. *Land Use Policy*, 109, 1-22.
- Fox-Rogers, L., & Murphy, E. (2014). Informal strategies of power in the local planning system. *Planning Theory*, 13(3), 244-268.
- Flyvbjerg, B. (1998). *Rationality and Power. Democracy in Practice*. Chicago: University of Chicago Press.
- Flyvbjerg, B. (2002). Bringing Power to Planning Research: One Researcher's Praxis Story. *Planning Education and Research*, 21(4), 353-366.
- Forester, J. (1982). Planning in the Face of Power. *American Planning Association*, 48(1), 67-80.
- Gaventa, J. (2006). Finding the Spaces for Change: A Power Analysis. *IDS Bulletin*, 37(6), 23-33.
- Gaventa, J. (2019). *Applying Power Analysis: Using the 'Powercube' to explore forms, levels and spaces*. Moscow: The 40th Anniversary of the Power Group, International Political Science Association.
- Gunder, M. (2015). Critical Planning Theory. In James D. Wright (Ed.), *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*. Second Edition (255-260). USA: Elsevier
- Harvey, D. (2013). *Urban Experience*, Persian translation by Aqvami Moqadam, A. 1st edition, Pejvak Publications.

- Haugaard, M. (2012). Rethinking the four dimensions of power: domination and empowerment. *Journal of Political Power*, 5(1), 33-54.
- Haugaard, M. (2021). The four dimensions of power: conflict and democracy. *Journal of Political Power*, 14(1), 153-175.
- Healey, P. (2003). Collaborative planning in perspective. *Planning Theory*, 2(2), 101-123.
- Hillier, J. (2002). *Shadows of power: An Allegory of Prudence in Land-use Planning*. London & New York: Routledge.
- Kenny, M.; & Fourie, R. (2015). Contrasting classic, straussian, and constructivist grounded theory: methodological and philosophical conflicts. *The Qualitative Report*, 20(8), 1270-1289.
- Langman, L. (1991). Alienation and everyday life: Goffman meets Marx at the shopping mall. *International Journal of Sociology and Social policy*, 11(6-8), 107-124.
- Najjar, R. (2019). Planning, Power, and Politics (3P): Critical Review of the Hidden Role of Spatial Planning in Conflict Areas. In: L. Loures (Ed.), *Land Use- assessing the Past, Envisioning the Future* (217-240). London: Intech Open.
- Richardson, T. (1996). Foucauldian discourse: Power and truth in Urban and regional policy making. *European Planning Studies*, 4(3), 279-292.
- Roy, A. (2012). Urban Informality: The Production of Space and Practice of Planning. In: Randall Crane and Rachel Weber (Eds). *The Oxford Handbook of Urban Planning* (691-705). New York: Oxford University Press.
- Rydin, Y. (2019). Silences, categories and black-boxes: Towards an analytics of the relations of power in planning regulation. *Planning Theory*, 19(5), 1-20.
- Saden, E. (2004). *Empowerment and Community Planning Theory and Practice of People-Focused Social Solutions*. (Translated from Hebrew by Richard Flantz). Tel Aviv: Hakibutz Hameuchad publisher.
- Shapiro, I. (2006). On the Second Edition of Lukes' Third Face. *Political Studies Review*, 4(2), 146-155.
- Yiftachel, O. (1998). Planning and social control: Exploring the dark side. *Journal of planning literature*, 12(4), 395-406.
- Yiftachel, O. (2001). Outlining the power of planning. In O. Yiftachel, J. Little, D. Hedgcock, & I. Alexander, *the Power of Planning: Spaces of Control and Transformation* (1-19). Netherlands: Springer.
- Zaaïman, J.; & Mupambwa, G. (2021). An application of four-dimensional model of power: The case of khutsong. *Journal of political power*, 14(1), 131-152.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Journal of Architecture and Urban Planning. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
 نیک‌بین، آسیه؛ کاظمیان، غلامرضا و شریف‌زادگان، محمدحسین (۱۴۰۲). بررسی ابعاد چهارگانه قدرت در توسعه مگامال‌های منطقه یک تهران. نشریه علمی نامه معماری و شهرسازی، ۱۶(۴۱)، ۵-۲۱.

DOI: 10.30480/AUP.2022.4471.1976

URL: http://aup.journal.art.ac.ir/article_1117.html

Investigating the Four Dimensions of Power in Mega Mall Development Case Study: District 1 of Tehran Metropolis

Asieh Nikbin

Ph.D. Candidate in Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Gholamreza Kazemian

Associate Professor, Department of urban management, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

Mohammad Hossein Sharifzadegan

Professor, Department of Urban and Regional Design and Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Abstract

In the last few decades, urban scholars have recognized the importance of power as a key concept in urban planning. Planning is subject to exercise of power, meaning it cannot do everything and in most cases is far away from its normative goals and planner positive intentions. The exercise of power can take place in every stage of planning, from proposing a plan to approval and implementation of it. If planners take into account the power operation, instead of ignoring it, they can improve their analyses and empower their discipline. Therefore, planners have been recommended to pay attention to power. Beside the outstanding research in this field, planning still lacks a coherent body of power-related theories and research. One of the reasons for this shortcoming is the absence of comprehensive attention to various dimensions of power. The interdisciplinary nature of planning has caused it to use other sciences and disciplines to develop itself. The power concept roots in political science, hence studying political science can help planners to better understand the nature of power and its operation. Among political scholars, there is not a consensus on the nature of power. Some of the scholars such as Arendt and Parsons have focused on the positive side of power and most of them have revealed the negative and dominant side of it. The last group has introduced four dimensions of dominant power including overt, covert, latent and disciplinary power. The present critical research, by applying fourth dimensions of power, aimed to reveal all the visible to less visible dimensions of power in planning. The case of this research is the development of mega malls in district 1 of Tehran metropolis, sometimes contrary to the approved plan, which were emerged and boomed in the last two decades. Mega malls are mega projects with mixed retail and recreational use. The problem is how these mega projects, which create many challenges for the city and citizens, are still booming. Examining this problem using the fourth dimensional power exposes all dimensions of power exercise in mega mall development. This research is qualitative in nature and has used the grounded theory method. This method has three traditions including classic, interpretation and constructivist. According to the constructivist tradition, which was developed by Kathy Charmaz, researcher views and studies can reflect in the research and the theory constructed through researcher interaction with the interviewees and the collected data. The main data for this research were gathered from 18 semi-structured qualitative interviews with citizens, urban managers, mega mall developers and urban experts, three documents related to mega malls, 23 articles and 35 interviews documented on websites. The data was analyzed through initial and focused coding, it was then categorized and themes were proposed according to power dimensions. The result is that the process of mega-mall development is in line with the interests of power, monopoly, rationalization and legitimization, and the product of this is an environment that is similar to panopticon.

Keywords: Power, critical research, urban development, mega mall development